

وانگ یی در دیدار با عراقچی برآمدگی کشورش

برای ایفای نقش سازنده در مسأله هسته‌ای تأکید کرد

چین میانجی جدید مذاکرات هسته‌ای؟

گزارش

کرد: «آماده‌ایم به ایفای نقش سازنده خود در پیشبرد حل و فصل مسأله هسته‌ای ایران و حفظ ثبات در خاورمیانه ادامه دهیم». «وانگ یی» همچنین برحق مسلم ایران برای بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تعهد تهران به عدم تولید سلاح هسته‌ای تأکید کرد. اما این پیام‌ها فقط محدود به روابط دوجانبه نبود.

در صحن اصلی نشست شورای وزیران خارجه سازمان همکاری شانگهای، وانگ یی به صراحت از ضرورت مقابله با «یکجانبه‌گرایی» سخن گفت و تأکید کرد که برخی کشورها با اولویت دادن به منافع خود، نظم بین‌المللی را به‌سوی واگرایی و نابرابری سوق داده‌اند. او این وضعیت را در تضاد با مسیر تاریخی چندقطبی شدن جهان و تقویت جنوب جهانی دانست. در این میان، بیانیه یکن در حمایت از نقش ایران در منطقه، با تأکید بر ضرورت حفظ گفت‌وگو با تمامی طرف‌ها، نشان از تداوم نقش چین به‌عنوان یک بازیگر موازن در معادلات حساس منطقه‌ای دارد.

حمایت از تهران در شورای امنیت
پیشتر در یکی از دیگر دیدارهای مهم عراقچی در چین، او با سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه درباره تحولات ناشی از تجاوز اخیر علیه ایران، پیامدهای آن بر رژیم منع اشاعه و منشور ملل متحد و همچنین مسائل مورد گفت‌وگو ی پیشین در سفر وزیر امور خارجه ایران به مسکو گفت‌وگو کرد. لاوروف با محکوم کردن حملات غیرقانونی به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، اعلام کرد که مسکوآماده ادامه تلاش‌ها برای مهار تنش و جلوگیری از بی‌ثباتی در منطقه است. او همچنین از آمادگی روسیه برای حمایت از مواضع ایران در سطح شورای امنیت سازمان ملل خبر داد.

سفر اخیرعراقچی به چین که با دیدار با رئیس‌جمهوری این کشور و طرح چهار پیشنهاد در راستای تقویت عملکرد سازمان همکاری شانگهای همراه بود، تنها بخشی از سلسله اقدامات تهران برای تبدیل این سازمان به تکیه‌گاهی برای مقابله با تحریم، تهدید و فشارهای فرامرزی است. حضور فعال

یکن بار دیگر بر نقش دیپلماتیک خود در حمایت از ایران تأکید کرد. دیدار روز گذشته (چهارشنبه) سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران با همتای چینی خود «وانگ یی» در حاشیه بیست و پنجمین نشست شورای وزیران خارجه سازمان همکاری شانگهای در شهر بندری تیانجین در روند تشدید تحرکات دیپلماتیک تهران و شرکای آسیایی خود حائز اهمیت بود. این دیدار فرصتی برای بازخوانی مواضع چین نسبت به تحولات اخیر منطقه بود. وزیر خارجه چین در این دیدار بار بار بر حمایت خود را از حق ایران برای حفظ حاکمیت، عزت ملی و مقابله با سیاست قدرت و قلدری اعلام کرد.

او با بیان اینکه ما به حمایت از ایران در مقاومت برابرسیاست‌های قلدرمآبانه و دفاع از حقوق و منافع مشروع خود از طریق مذاکرات سیاسی ادامه خواهیم داد، تصریح

واکنش ایران به اظهارات بولر درباره ناتوانی اروپا در مهار اسرائیل

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در واکنش به اظهارات اخیر جوزپ بورل مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا درباره ناتوانی اروپا در مقابله با اقدامات رژیم صهیونیستی، این موضع را همسویا سیاست‌های آمریکا در سرکوب صدای منتقدان توصیف کرد.

بقایی در پاسخ به پست بولر در شبکه اجتماعی ایکس که در آن از ناتوانی اروپا برای بازداشتن رژیم اسرائیل سخن گفته بود، نوشت: «این اظهارات کاملاً در راستای اقدام آمریکا برای

کرووش احمدی در گفت و گو با «ایران»:

توافق پیش از مکانیزم ماشه امکان پذیر است

گروه سیاست خارجی/ در حالی که سه کشور اروپایی عضو برجام اعلام کرده‌اند قصد دارند تا پایان ماه اگوست مکانیزم ماشه را علیه ایران فعال کنند. بسیاری از تحلیلگران این اقدام را نقطه عطفی در سرنوشت توافق هسته‌ای می‌دانند. کرووش احمدی، دیپلمات پیشین و تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل، در گفت‌وگو با «ایران» ضمن بررسی ابعاد حقوقی و سیاسی مکانیزم ماشه سناریوهای مربوط به این موضوع را بررسی کرد؛ سناریوهایی که از احتمال اقدام مستقیم اروپا در شورای امنیت، تا گزینه‌های ایران برای مواجهه با این روند و همچنین چشم‌انداز واقعی از امکان بازگشت به دیپلماسی یا ورود به مسیرهای پرخطرتر مانند خروج از NPT یا افزایش سطح غنی‌سازی مطرح شده است. احمدی در این گفت‌وگو تأکید می‌کند که «جنگ حتی برای پیروز آن، هزینه‌زاست» و مسیر مذاکره همچنان تنها گزینه واقع‌بینانه برای همه طرف‌ها باقی مانده است.

وزیر خارجه فرانسه روز سه‌شنبه در اظهارنظری عنوان کرد «این کشور به همراه آلمان و انگلیس تا پایان ماه‌اوت مکانیزم ماشه را علیه ایران فعال خواهند کرد مگر آنکه که پیش از آن پیشرفت ملموسی در زمینه توافق هسته‌ای با ایران حاصل شود» این در حالی است که مطابق سازوکار برجام برای فعال کردن مکانیزم ماشه حداقل باید از یک‌ماه پیش از این تاریخ اقدام شود.

در این محاسبه زمان باید به یک نکته مهم توجه کرد و آن این است که برای فعال‌سازی مکانیزم ماشه اعضای برجام ملزم نیستند که کار را با مکانیزم حل اختلافات به نحو مندرج در بندهای ۳۶ و ۳۷، سی و پنج روز وقت برای بررسی در چهارچوب برجام در نظر گرفته‌شده است. این در حالی است که بر اساس بند ۱۱ قطعنامه ۲۲۳۱ تنها ۳۰ روز وقت نیاز است. یعنی ربه‌میان بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام و بند ۱۱ قطعنامه در مجموع ۶۵ روز زمان نیاز است. مسأله این این است که رعایت بازه زمانی ۳۵ روز مرتبط با بندهای برجام الزامی نیست. چراکه مطابق بند ۱۰ قطعنامه ۲۲۳۱ اعضای برجام صرفاً تشویق شده‌اند که برای حل اختلافات احتمالی از طریق توافقنامه برجام و برپا یه بندهای ۳۶ و ۳۷ اقدام بکنند. اما این تنها توصیه است و الزام آور نیست.

با این توصیف از سخن وزیرخارجه فرانسه برمی‌آید که ظاهراً تصمیم این چهار کشور یعنی انگلیس و فرانسه و آلمان به اضافه آمریکا این شده که آنها برای فعال‌سازی مکانیزم ماشه از طریق کمیسیون مندرج در برجام اقدام نکنند و به طور مستقیم نسبت به اعلام ادعای تخلف ایران به شورا ی امنیت مبادرت نکنند. براین اساس اگر سه کشور اروپایی عضو برجام تصمیم بگیرند که در پایان ماه اوت مکانیزم ماشه را فعال کنند، دوره ۳۰ روزه برای تکمیل این روند در پایان سپتامبر تکمیل خواهد شد و خواهند توانست ۶ قطعنامه ضد ایرانی شورای امنیت را احیا و فعال کنند. یکی از دلایل چنین تصمیمی می‌تواند احتراز از انجام این

کار در ماه اکتبر باشد چرا که در این ماه روسیه ریاست دوره‌ای شورای امنیت را برعهده خواهد داشت و ظاهراً غربی‌ها ترجیح داده‌اند که این کار در دوره ریاست روسیه انجام نشود بلکه در ماه سپتامبر که کره جنوبی رئیس دوره‌ای شورا خواهد بود انجام شود. البته باید تأکید کنم که بطور معمول رؤسای دوره‌ای شورا در حکم دبیر جلسات هستند و اختیار محتوایی و اجرایی ندارند.

به نظر شما آیا جدیت در طرف اروپایی برای ورود به مذاکره دیده می‌شود یا خیر؟
مسأله این است که غربی‌ها (اعم از اروپا و آمریکا) در مجموع فقط در یک صورت حاضر می‌شوند مکانیزم ماشه را فعال نکنند؛ و آن، رسیدن به توافقی با ایران در ارتباط با برنامه هسته‌ای است. این‌که نیل به چنین توافقی تا چه اندازه عملی و ممکن است، بستگی به میزان انعطاف طرفین دارد؛ یعنی ایران باید تا حدی انعطاف نشان دهد و غرب نیز متقابلاً همین‌طور.

به عنوان مثال، بلینکن وزیر خارجه آمریکا ادعا کرده بود که ایران در مذاکرات قبلی غنی‌سازی در حد درصد را پذیرفته است.

البته مشخص نیست این ادعاها تا چه حد درست است، اما به‌هرحال اگر ایران برخی نشانه‌های حاکی از انعطاف را نشان داده باشد، طرف مقابل هم همین رویکرد را اتخاذ کند، در عین حال، غربی‌ها مدعی بوده‌اند که اگر ساختار غنی‌سازی در ایران ادامه یابد و حتی کار غنی‌سازی در سطح زیر یک درصد نگه داشته شود، در آینده ممکن است دوباره به درصدهای بالاتر ارتقا یابد و این را بهانه کرده‌اند. با این حال، به نظر نمی‌رسد که مسیری عملی برای جلوگیری از فعال شدن مکانیزم ماشه جز از طریق دیپلماسی و مذاکره وجود داشته باشد. از طرف دیگر، مکانیزم ماشه موضوعی نیست که غربی‌ها به راحتی از آن بگذرند. چراکه در صورت پایان بازه زمانی مربوطه و منقضی شدن قطعنامه ۲۲۳۱ و مکانیزم ماشه در آن

آیا با وجود تهدیدها، امکان بازگشت ایران به مسیر مذاکره با طرف‌های غربی وجود دارد؟
نخست باید گفت که ما نمی‌دانیم آیا ادعای بلینکن مبنی بر پذیرش غنی‌سازی زیر یک درصد از سوی ایران، واقعاً صحت دارد یا نه. اما اگر فرض کنیم این ادعا درست باشد، دو نکته مطرح می‌شود: یکی اینکه آیا آمریکا و اسرائیل این سطح غنی‌سازی را بپذیرفته بودند یا هدف آنها نه فقط محدودسازی، بلکه به‌کلی برچیدن ساختار غنی‌سازی در ایران بوده است. از سوی دیگر، باید توجه داشت که اسرائیل از اجرای اهداف شریرانه و تجاوزکارانه و توسعه طلبانه به‌طور کلی با هرگونه توافق و حل‌وفصل مسأله از طریق مذاکره مخالف است، مگر اینکه به برچیده شدن کامل برنامه هسته‌ای ایران منجر شود. یعنی رویکرد اسرائیل مبتنی بر مدل لبی است. بنابراین حتی اگر سطح غنی‌سازی به‌شدت کاهش یابد، شاید از نگاه اسرائیل همچنان وجود اصل برنامه هسته‌ای یک تهدید باشد.

فراتر از موضوع هسته‌ای، اهداف اسرائیل در این اقدامات ریشه در استراتژی‌های کلان‌تری دارد. این رژیم همواره در تاریخ خود به دنبال تضعیف

وزیر امور خارجه ایران در حاشیه نشست و دیدار با مقامات کشورهای عضو از جمله روسیه، هند، قرقیزستان و پاکستان در واقع تلاشی برای دیپلماسی ایران با محوریت شرق در شرایط اضطراری ژئوپلیتیکی تلقی می‌شود. همکاری شانگهای همراه بود، تنها بخشی از سلسله اقدامات تهران برای تبدیل این سازمان به تکیه‌گاهی جدی در موازنه قدرت جهانی است. در چنین فضایی ایران با بهره‌گیری از

بستر چندجانبه‌گرایی و ائتلاف‌های منطقه‌ای نظیر سازمان همکاری شانگهای می‌کوشد حمایت حقوقی و سیاسی بازیگران مستقل جهانی را برای مقابله با سیاست فشار، تحریم و تهدید نظامی جلب کند. در این چهارچوب، یکن و مسکو بویژه پس از جنگ ۱۲ روزه، نه فقط شرکای اقتصادی ایران بلکه بازیگرانی با نقش دیپلماتیک و ژئوپلیتیک مهم در تثبیت حقانیت ایران در



نظام بین‌الملل هستند. بنابراین آنچه در روند دیدارها و رایزنی‌های وزیر امور خارجه ایران با همتایان خود در نشست شانگهای صورت گرفت، تلاشی برای همسو کردن سیاست‌ها در برابر سیاست‌های انحصارطلبانه غرب بود که به ایران این فرصت را می‌داد تا دیپلماسی چندجانبه خود را از کانون آسیای مرکزی تا صحنه شورای امنیت بسط دهد.



دو کشور بخصوص در حوزه‌های بانکی و مالی، آمادگی کشورش را برای ادامه و تعمیق این همکاری‌ها اعلام کرد.



بعید به نظر می‌رسد که بتوان اجماع قابل توجهی در حمایت از موضع ایران ایجاد کرد. با وجود این، دستگاه دیپلماسی می‌تواند از مسیر مشروعیت‌زایی از اقدام اروپا، تلاش‌هایی را برای تضعیف اثرگذاری حقوقی و سیاسی این فرآیند انجام دهد.

به نظر شما واکنش ایران نسبت به سناریوی بازگشت تحریم‌ها از طریق مکانیزم ماشه چه خواهد بود؟

در چنین شرایطی، معقول‌ترین و عقلانی‌ترین گزینه برای هر دو طرف، حرکت در مسیر مذاکره و دیپلماسی است. ایران نیز، با وجود شرایط سخت و فشارهای گسترده، همچنان ظرفیت‌هایی برای مذاکره و گرفتن امتیاز و رسیدن به یک توافق عزت‌مندانه دارد. در مقابل، طرف غربی نیز علی‌رغم تصور و ادعای داشتن دست بالای خود در برخی حوزه‌ها، از یک واقعیت کلیدی آگاه است و آن اینکه جنگ، حتی برای طرف پیروز نیز بسیار هزینه‌زاست. آمریکا و کشورهای اروپایی برعکس رژیم نسل‌کش اسرائیل تلاش دارند تا از سناریوهای جنگ طلبانه فاصله بگیرند و مسیر دیپلماسی را ترجیح دهند. بنابراین، احتمال شکل‌گیری دور جدیدی از مذاکره، با هدف جلوگیری از تشدید بحران، کاملاً وجود دارد.

در این میان، ایران باید نهایت بهره‌را از ابزار دیپلماتیک خود ببرد تا هم در صحنه بین‌المللی ابتکار عمل را حفظ کند و هم افکار عمومی داخلی را با خود همراه نگه دارد. اگر بدو تلاش کافی برای مذاکره، کشور به سمت اقدامات شدید مانند خروج از NPT یا افزایش سطح غنی‌سازی برود، ممکن است بخش‌هایی از جامعه داخلی نیز نسبت به راهبرد کشور دچار تردید شوند. بنابراین، اولویت باید حفظ مسیر دیپلماسی و مذاکرات باشد؛ چراکه گزینه‌هایی مانند خروج از NPT یا غنی‌سازی بالاتر نه تنها پرونده ایران را وارد فازهای پیچیده‌تری درآزاند بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت می‌کند، بلکه با واکنش‌های بین‌المللی بیشتری نیز مواجه خواهد کرد.

مخالفان برجام این روزها خیلی می‌پرسند که دلیل گنجاندن بند موسوم به مکانیزم ماشه در قطعنامه ۲۲۳۱ چه بود؟ چرا چنین امتیازی به طرف‌های غربی داده شد؟

علت گنجاندن این بند در قطعنامه ۲۲۳۱ برمی‌گردد به روند مذاکراتی که منتهی به توافق برجام شد. در حقیقت، اگر چنین بندی در قطعنامه گنجانده نمی‌شد، اساساً برجامی شکل نمی‌گرفت. این موضوع یک شرط قطعی برای کشورهای غربی بود. بنابراین تصمیم در مورد آن برعهده تیم مذاکره‌کننده یا دولت وقت نمی‌توانست باشد و کلیت نظام باید در مورد آن تصمیم می‌گرفت. به عبارت دیگر حکم دایر بود بر درج این مکانیزم ماشه در قطعنامه ۲۲۳۱ یا منتفی شدن کل برجام. خاصه‌آنکه گنگره آمریکا نیز طبق قانون INARA باید در مورد توافق برجام نظر می‌داد و دولت او باما می‌دانست که چنانچه این مکانیزم در برجام نباشد، گنگره حتماً توافقی را رد خواهد کرد.

در صورت فعال‌سازی مکانیزم ماشه از سوی اروپا، آیا ایران امکانی برای مقابله یا جلوگیری از این روند دارد؟

یکی از اقداماتی که ایران می‌تواند انجام دهد، تأکید بر این واقعیت است که طرف‌های اروپایی خودشان به تعهدات برجامی‌شان عمل نکرده‌اند و از همین رو، اقدام آنها برای فعال‌سازی مکانیزم ماشه در حکم سوءاستفاده از یک ابزار حقوقی است. ایران می‌تواند تلاش کند مشروعیت حقوقی و سیاسی این اقدام را زیر سؤال ببرد و نشان دهد که طرفی که خود متخلف است نمی‌تواند و نباید به‌طور یک‌جانبه برای مجازات طرف دیگر تلاش کند. اگر چه باید در جهت تضعیف مبانی مشروعیت اقدام اروپا تلاش کنیم اما مقامات ما در عین حال باید توجه داشته باشند که اجرای این رویکرد نیازمند همراهی چند کشور دیگر در عرصه بین‌المللی است؛ اما با توجه به فضای فعلی و صفت‌بندی گسترده‌ای که علیه ایران شکل گرفته و نیز سکوت بسیاری از کشورها در جریان حملات اخیر اسرائیل و آمریکا به ایران، مطرح نشود.

قدرت‌های منطقه‌ای بوده است. سیاست آنها این است که از تضعیف کشورهای بزرگ خاورمیانه، برای تثبیت جایگاه خود به عنوان قدرت برتر منطقه (هژمون) سوءاستفاده کنند؛ حتی اگر این مسیر منتهی به بی‌ثباتی یا تجزیه کشورهای بزرگ منطقه شود. با وجود این، سایه تهدید نظامی اسرائیل به‌تنهایی باعث بسته شدن کامل مسیر مذاکره نمی‌شود. در صورتی که از سوی غرب اراده‌ای جدی برای توافق وجود داشته باشد، امکان بازگشت به مذاکرات هنوز باقی است و آنها می‌توانند افراتیون اسرائیل را مهار کنند؛ ولی تحقق آن مشروط به حداقلی از انعطاف در طرف ایرانی و طرف غربی خواهد بود.

بعضاً آیده‌هایی درباره نقش آفرینی چین و روسیه در روند ممانعت از اجرای این مکانیزم مطرح می‌شود. این موارد تا چه حد واقع‌گرایانه است؟

موضوعی که باید درباره سازوکار مکانیزم ماشه مد نظر داشت این است که بعد از اعلام تخلف علیه ایران در شورای امنیت این شورا ۳۰ روز فرصت دارد تا قطعنامه‌ای برای ادامه تعلیق تحریم‌ها تصویب کند. اگر چنین قطعنامه‌ای تصویب نشود، تحریم‌های هسته‌ای شورای امنیت به‌صورت خودکار دوباره اعمال می‌شوند. با این توضیح در سازوکار مکانیزم ماشه برای شورای امنیت عملاً روسیه و چین امکان حقوقی برای ممانعت از فعال شدن آن ندارند. اما برخی ایده‌ها در مورد اینکه ریاست دوره‌ای شورا امنیت در ماه اکتبر برعهده روسیه است و این امر امکانی را فراهم خواهد کرد مطرح شده که در واقع آن هم بیش از یک جایگاه «بیسری شورا» نیست و ظرفیتی را برای ممانعت از فعال شدن مکانیزم ماشه فراهم نخواهد کرد. با این حال طرف غربی سعی دارد تا در دوره ریاست کره جنوبی در ماه سپتامبر برشورا این کار را انجام دهد تا به لحاظ شکلی که مثلاً عنوان نشود رئیس شورا مخالف این طرح بوده هم در رسانه‌ها مطرح نشود.



وانگ یی به صراحت از ضرورت مقابله با «یکجانبه‌گرایی» سخن گفت و تأکید کرد که برخی کشورها با اولویت دادن به منافع خود، نظم بین‌المللی را به‌سوی واگرایی و نابرابری سوق داده‌اند



می‌دهد در برابر جنایات جنگی اسرائیل سکوت کند و به نسل‌کشی در غزه اجازه ادامه بی‌وقفه دهد.»